



مقدمه حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۴ - تابستان ۱۴۰۴

- رابطه خریدار و فروشنده در قرارداد پایه در اعتبار اسنادی با تأکید بر حقوق ایران
همایون مافی، رضا احسانی، احمدرضا امیری لاریجانی
بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه
سیدفضل الله موسوی، امیرحسین عسگری
عدالت کودک محور و مسئولیت دولت: پیشگیری، اصلاح و بازپروری کودکان ناقض قوانین کیفری
محمد روشن، سمیه رنگین کمان، سیدمصطفی حسینی دستجردی
واکاوی چالش‌ها و الزامات حقوقی هوش مصنوعی در محیط‌های کاری: بررسی تأثیرات و راهکارهای اصلاحی
مریم برومند بازکیاگورابی، امیررضا محمودی
جامعه الگوریتمی و انطباق حقوقی: بازاندیشی در حقوق، حکمرانی و عدالت اجتماعی
خدیجه کریمی اصفهانی، مجاهد امیری
صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران
مرضیه کاظمی، مصطفی کافی
مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان
ایرج مروتی، نفیسه عراقی، ماندانا جنگلی
نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی
نرگس ابوالمعصومی
درآمدی بر جرایم مرتبط با رمزارزها؛ از تسهیلگری تا پیشگیری
محبوبه طالبی رستمی
اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران
نازنین بهرامی، مهناز سجادیان، حمیدرضا کناری زاده
تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل دهی گفتمان جرم شناختی نئوکلاسیک نوین
مسعود اکبری
مطالعه تطبیقی دارایی تجاری در حقوق ایران و فرانسه
سعید جوهر
بازدارندگی تبعید و نفی بلد در عصر ارتباطات
مهسا محمودی
جلوه های حقوق معنوی زندانیان در اسناد داخلی و بین المللی
امین‌رضا بهار فلامرزی
مطالعه تطبیقی کاربرد اصول دادرسی مدنی در دادرسی کیفری با تأکید بر سازوکار ارجاع
علی اصغر عسگری
جرایم علیه اراضی دولتی (مطالعه مروری)
وحید کیومرثی
زیاله‌های قضایی در حقوق بین‌الملل: چالش‌های نظارتی و راهکارهای حقوقی
مهدی قره داغی
توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن
داود سلمانپور، یعقوب طاهری، حسین زارعی
مسئولیت بین‌المللی کشورها در مبارزه با دوپینگ: تحلیل حقوقی و چالش‌های اجرایی
سپیده احمدیان فرد
سیاست کیفری در قبال جرائم نظامی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا
امیرحسین ابوالحسنی، حامد زرین جوی الوار، محمدعلی جهانی
قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتشکل پولی در نظام حقوقی ایران
ایوب رحیمی
حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلووار)
حسین اکبرپا
شرایط سلبی مسئولیت کیفری شخصی بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
محمدرضا افراسیابی
تأثیر قوانین داخلی و التزام به معاهدات بین‌المللی در مبارزه با فساد بانکی
سیدبهمن اکبری
سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین‌الملل
مهدی رضایی اسرمی
بزه‌دیده شناسی سبز و بزه‌دیدگان غیرانسانی
امین حاجی وند، امیرحسین خراشادی زاده، محمدجواد میرزایی



Diminished Liability in the Criminal Systems of Iran and England

مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان

Iraj Morvati

PhD student in criminal law and criminology, lecturer at Islamic Azad University, Shahr-e-Quds branch, Shahr-e-Quds, Iran (Corresponding Author)

ایرج مرواتی
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس، شهرقدس، ایران (نویسنده مسئول)
erajmorvati7@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0000-0400-316x>

Nafiseh Araghi

Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Shahr-e-Quds Branch, Shahr-e-Quds, Iran

نفیسه عراقی
استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس، شهرقدس، ایران
nafiseharaghi@yahoo.com

Mandana Janghali

Master of Science in Private Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

ماندانا جنگلی
کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
mandanajangli98@gmail.com

Abstract

Today, criminal justice systems, using the legal concept of diminished responsibility, try to analyze the reasons and methods of criminal behavior by people suffering from mental disorders. This study examines the position of diminished responsibility in Iranian criminal law and its comparison with the criminal laws of England. The main problem of the study is the lack of explicit prediction of the concept of diminished responsibility in the Iranian legal system and the exclusive emphasis on full responsibility or complete removal of responsibility. The purpose of this study is to conduct a comparative analysis of this issue in the two legal systems of Iran and England, focusing on extracting the strengths and weaknesses of Iranian laws. The findings of the study show that the appropriate use of comparative experiences can play an important role in creating more appropriate criminal justice.

Keywords: Criminal Responsibility, Impaired Responsibility, Insanity, Mental Functioning.

چکیده

امروزه نظام‌های عدالت کیفری با بهره‌گیری از مفهوم حقوقی مسئولیت نقصان‌یافته تلاش می‌کنند دلایل و شیوه‌های وقوع رفتار مجرمانه توسط افرادی که از ناهنجاری‌های روانی رنج می‌برند را تحلیل کنند. این پژوهش به بررسی جایگاه مسئولیت کاهش‌یافته در حقوق کیفری ایران و تطبیق آن با قوانین کیفری انگلستان پرداخته است. مسئله اصلی پژوهش، نبود پیش‌بینی صریح مفهوم مسئولیت نقصان‌یافته در نظام حقوقی ایران و تأکید انحصاری بر مسئولیت کامل یا رفع کامل مسئولیت است. هدف این پژوهش، تحلیل مقایسه‌ای این موضوع در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان با تمرکز بر استخراج نقاط قوت و ضعف قوانین ایران است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که استفاده مناسب از تجربیات تطبیقی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد عدالت کیفری متناسب‌تر ایفاء کند.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، مسئولیت نقصان‌یافته، جنون، عملکرد روانی.

Received: 2025/09/10 - Review: 2025/08/04 - Accepted: 2025/09/19

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹

ارجاع:

مروتی، ایرج؛ عراقی، نفیسه؛ جنگلی، ماندانا؛ (۱۴۰۴)، مبانی مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان، تمدن حقوقی، شماره ۲۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

حقوق کیفری مخاطب خود را فردی آگاه، بالغ و مسئول می‌داند که توانایی پاسخگویی به اعمال خود را دارد. اما این توانایی در برخی موارد تحت تأثیر عوامل روانی و اجتماعی دچار نقصان می‌شود. از این رو، شناسایی مفهوم «مسئولیت نقصان یافته» و جایگاه آن در نظام حقوق کیفری امری ضروری به نظر می‌رسد. مشکل اصلی این پژوهش، نبود رویکردی صریح و جامع نسبت به مسئولیت نقصان یافته در نظام حقوقی ایران است، به گونه‌ای که قوانین موجود بیشتر بر دوگانه مسئولیت کامل یا رفع کامل مسئولیت تمرکز دارند. در مقابل، نظام حقوقی انگلستان با بهره‌گیری از این مفهوم، توانسته است رویکردی متناسب‌تر نسبت به عدالت کیفری اتخاذ کند. بررسی این موضوع می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف قوانین داخلی و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود آن‌ها کمک کند.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع تطبیقی تلاش دارد تا جایگاه مسئولیت نقصان یافته در حقوق ایران را بررسی کرده و آن را با نظام حقوقی انگلستان مقایسه کند. پژوهش شامل بخش‌های زیر است: در ابتدا، مبانی نظری مسئولیت نقصان یافته بررسی شده، سپس به تحلیل تاریخی و تطبیقی این مفهوم در حقوق کیفری ایران و انگلستان پرداخته می‌شود. در نهایت، راهکارهایی برای بهره‌گیری از تجربیات تطبیقی ارائه خواهد شد.

۱- مفهوم مسئولیت کیفری تقلیل یافته

مسئولیت مصدر جعلی است که از افزودن علامت مصدری (یت) به آخر مسئول بر وزن مفعول به معنای شخص مورد بازخواست و مورد سوال به دست می‌آید. کلمه مسئول نیز از ریشه سائل سیال مشتق شده است. مسئولیت را در لغت به معنی موظف بودن به انجام دادن امری تعریف کرده‌اند. مسئولیت در فرهنگ فارسی، به معنای قابل بازخواست بودن انسان، تکلیف، وظیفه و آن چه شخص عهده دار آن باشد، آمده است (عمید، ۱۳۷۵، ۱۷۹۸).

دکتر شامبیاتی در یکی از تألیفات خود با عنوان حقوق جزای عمومی در تعریف مسئولیت اشعار می‌دارند: «مسئولیت عبارت است از رسیدن به حد کمال جسمی و فکری که به علت یک عامل داخلی مختل نشده باشد درحالی که ممکن است رشد جسمی و فکری الزاماً مترادف با مسئولیت باشد» (شامبیاتی، ۱۴۰۱، ۲۳). دکتر ولیدی ضمن تعریف مسئولیت کیفری به نوعی الزام شخص به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم، تصریح می‌کند که از دیدگاه کیفری، ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی از قوانین و مقررات جزایی تنها و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست بلکه برای مسئول شمردن مرتکب جرم به جهت اخلاقی و اجتماعی و قابل سرزنش دانستن وی شروطی همچون نشأت گرفتن وقوع جرم از میل و اراده آگاهانه مرتبط، حاکی بودن جرم از سوءنیت مرتکب یا خبط و خطای او و همچنین وجود قابلیت انتساب بین جرم و فاعل ضروری است (ولیدی، ۱۳۹۱، ۲۶).

اما واژه نقصان (مصدر) کم شدن، کاستن یا کاسته شدن می‌باشد. نقصان یافتن یعنی عیب و نقص ظاهر شدن. در حقوق کیفری به شخصی نابالغ یا شخصی مجنون و دیوانه در هنگام جرم^۱ و نیز کسی که فاقد اختیار است اطلاق می‌گردد. یعنی افرادی که بنا به جهاتی مسئولیت آن‌ها در ارتکاب جرم مخدوش شده و یا به طور کلی از مجازات معاف شده و یا مجازات آن‌ها بسته به شرایط به وجود آمده تقلیل می‌یابد.

۲- مسئولیت کیفری مبتنی بر اراده مطلق و اراده نسبی

در ذیل دو دیدگاه مهم در ارتباط با نحوه مسئولیت کیفری در دو حالت اراده مطلق و اراده نسبی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲- مسئولیت کیفری مبتنی بر اراده مطلق

در ادبیات جرم‌شناسی، نظریه اراده مطلق منتسب به تفکرات جرم‌شناسانه موسوم به مکتب کلاسیک است. نظریات مبتنی بر فایده اجتماعی و عدالت مطلق که به مکتب جرم‌شناسی کلاسیک شهرت یافته‌اند، معتقد به اراده مطلق انسان در ارتکاب جرم بوده و به همین لحاظ مبنای مسئولیت کیفری مجرمین را مسئولیت اخلاقی آنان می‌دانستند. از نظر بنیانگذاران مکتب کلاسیک، هوشمندی و عقلانیت از خصیصه‌های بارز و اصلی انسان و مبنایی برای تعیین رفتار انسان به شمار می‌روند (ولد و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۰). از نظر آنان افراد جامعه به میل و رغبت و در کمال آزادی قبول نموده‌اند که از مقررات جامعه اطاعت نموده و در صورت نقض آن مورد مؤاخذه و مجازات قرار گیرند (محسنی، ۱۳۷۶، ۱۵).

نظریات مکتب کلاسیک بیشتر بر پایه عقیده فلسفی اختیاری بودن اعمال بشر قرار دارد. به این معنی که پیروان این مکتب مسائل و موضوعات جزایی را از نظر عقل و اراده مورد سنجش قرار می‌دهند و معتقدند که بشر با برخورداری از نیروی عقل، آزادی اراده و اختیار می‌تواند از انجام کارهای ناپسند و ناروا خودداری کند و در صورت ارتکاب جرم، از آن‌جا که از روی اراده آزاد ناقض قوانین و مقررات بوده، مسئول و مستحق مجازات است (ولیدی، ۱۳۹۱، ۱۰۲). در نهایت، ممکن است گفته شود که شاید بتوان از خود تئوری اراده مطلق مورد نظر مکتب کلاسیک استفاده کرده و در صدد تبیین مسئولیت کیفری مجرمان بر آمد. بدین معنی که با توجه به آن که از دیدگاه مکتب کلاسیک سزاواری متهم برای مجازات به دلیل اراده آزاد وی در ارتکاب جرم است، هر گاه بزه‌کار بتواند عدم آزادی کامل اراده خود را اثبات نماید دیگر سزاوار مجازات نخواهد بود. در صورت پذیرش چنین نظری، ایراد دیگری با این مضمون مطرح خواهد شد که چگونه می‌توان اراده نسبی را در این تئوری گنجانده. همین مطلب موجب پیدایش مکتب نئوکلاسیک گردید.

۲-۲- مسئولیت کیفری مبتنی بر اراده نسبی

تحولات علمی از جمله پیشرفت‌های علوم پزشکی و روانشناسی از یک سو و آثار سوء ثابت بودن مجازات‌ها و عدم توجه به خصوصیات فردی متهمان و لزوم تعیین مجازات متناسب با شخصیت و میزان آزادی اراده مجرم از سوی دیگر، موجب اعتقاد به تفاوت درجه آزادی اراده گردیده و این دیدگاه به

سرعت بر قوانین کشورهای غربی تأثیر گذاشت. علم پزشکی و روانپزشکی ثابت کرده که بین حالت سلامت عقلی و جنون، حالت‌های بینابینی وجود دارد که نه مانند جنون موجب زوال مسئولیت کیفری می‌شود و نه متهم از سلامت کامل روحی و روانی متعادل برخوردار است تا مسئول اعمال خود تلقی شود (اوحدی، ۱۳۸۴، ۸۶).

در همین راستا، برخی اندیشمندان و حقوقدانان ضمن پابندی به آزادی اراده، با انتقاد از مطلق‌انگاری نظریه کلاسیک عقیده داشتند که انسان‌ها به یک اندازه از آزادی اراده بهره‌مند نیستند. بلکه درجه آزادی و اختیار انسان‌ها متفاوت از یکدیگر بوده و این تفاوت در حین انجام عمل مجرمانه بر حسب میزان شعور، ادراک و یا تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند هیجان، تعلیم، تربیت، میزان هوش، پایگاه اجتماعی و وضعیت روحی و روانی بروز می‌نماید؛ بنابراین، بایستی با تفاوت درجه مسئولیت، مجازات آن‌ها نیز متفاوت بوده و قاضی دادگاه اختیار تعیین مجازات متناسب با شخصیت متهم را داشته باشد؛ بنابراین، نسبی بودن اراده یک امر علمی ثابت شده و انکارناپذیر است که اثر پذیرش این امر تفاوت در میزان مسئولیت کیفری مجرمان خواهد بود.

۲-۳- سن مسئولیت کیفری کیفری مطلق و نسبی

سن مسئولیت کیفری کیفری در معنای خاص یا نسبی، یعنی سنی که اطفال به درجه‌ای از رشد و بلوغ برسند که بتوانند مرتکب جرم تلقی شوند و طبیعتاً تابع حقوق کیفری ویژه اطفال قرار گیرند. این سن در کشورهای مختلف متغیر است. در انگلستان ده سال و در آلمان چهارده سال می‌باشد (ولد و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۵). سن بلوغ کیفری یا سن مسئولیت کیفری مطلق^۲، یعنی سنی که بزهدکار بزرگسال تلقی شده و به‌طور تام مشمول حقوق جزا قرار می‌گیرد.

۳- تاریخچه پیدایش مسئولیت کیفری نقصان یافته

در حقوق کیفری، دانشمندانی مانند لمبروزو، فری و گاروفالو در مورد کشف علل بزهدکاری روش مشاهده و تجربه را در پیش گرفتند که موجب پیدایش مکتب اثباتی در حقوق کیفری گردیده و به تعبیری جرم‌شناسی علمی پا به عرصه حیات گذاشت (پرادل، ۱۴۰۲، ۸). دکتر رافل در رابطه با بیماری‌های

روانی که می‌تواند به نابهنجاری در عملکرد روانی و به تبع آن کاهش مسئولیت منتهی شود، معتقد است شرط‌های مورد انتظار می‌تواند شکلی از اسکیزوفرنی، اختلال افسردگی، شیدایی، عقب ماندگی‌های ذهنی، اختلال مشاعر، حالت‌های تجزیه ای، مستی، وسواس و همچنین اختلال فشار روانی پس آسیبی باشد (Raffle, 2008, 12).

در بیشتر نظام‌های عدالت کیفری، ایراد خدشه بر هریک از مؤلفه‌های اراده، زوال تام یا نسبی مسئولیت کیفری را به دنبال دارد و به تبع آن و متناسب با اختلال مذکور، سطح‌های متفاوتی از مسئولیت برای مرتکب در نظر گرفته می‌شود. در همین راستا، می‌توان به مسئولیت کاهش یافته، به منزله سطح «تنزل یافته» مسئولیت کیفری کامل اشاره کرد؛ زیرا اختلال در قوه ادراک به منزله نخستین رکن از رکن‌های چهارگانه اراده، چیزی است که به دلیل ایجاد نابهنجاری در عملکرد روانی، توسل به دفاع مسئولیت نقصان یافته را ممکن می‌سازد. بر همین اساس، تأسیس حقوقی مسئولیت نقصان یافته، در قانون قتل غیر عمد انگلستان مصوب ۱۹۵۷ میلادی، برای دفاع درباره مرتکبینی که در لحظه وقوع رفتار مجرمانه به دلیل اختلال قوه ادراک یا تمیز، دچار اختلال نسبی در بودند پذیرفته شد. در این حالت این احتمال وجود دارد که افسردگی افزایش یافته آن‌ها بر توانایی ذهنی ایشان برای ایجاد عکس العمل‌های معقول تأثیرگذار باشد، پیش‌بینی شد و سپس به سایر نظام‌های حقوقی راه یافت.

قانون‌گذار ایران نیز بر همین اساس، در قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲، برای نخستین بار، در بند «ب» ماده ۳۶، از اختلال تام یا نسبی شعور یا قوه تمیز یا اراده و سپس امکان تغییر و تخفیف مجازات مرتکب، سخن راند. این در حالی است که در قوانین کیفری پس از انقلاب، هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده است.

۴- جایگاه مسئولیت کیفری نقصان یافته در حقوق کیفری ایران

قانون‌گذار ایران نخستین بار در ماده ۴۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، بدون تصریح بر تفاوت موجود میان جنون و اختلال‌های روانی، به معافیت مجانین و افراد مبتلا به اختلال‌های دماغی اشاره کرد. سپس در بند «الف» ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ پیش‌بینی کرد که هر گاه محرز شود

مرتکب در حین ارتکاب جرم به علت‌های مادرزادی یا عارضی فاقد شعور باشد یا به اختلال تام قوه تمیز یا اراده دچار شود، در این صورت دیگر مجرم محسوب نخواهد شد. در واقع، آن چه در این ماده از موجبات رفع مسئولیت کیفری دانسته شد، فقدان شعور، اختلال تام قوه تمیز و اختلال تام قوه اراده بود. سپس قانون‌گذار در بند «ب» ماده مزبور، به تعیین تکلیف درباره کسانی پرداخت که به معنای دقیق کلمه، مجنون محسوب نمی‌شوند. بر همین اساس، از عبارت «اختلال نسبی شعور، قوه تمیز و اراده» استفاده کرد و در اقدامی علمی و واقع‌بینانه، مسئولیت کامل این دسته از مرتکبین را به دلیل احراز خدشه بر اراده، به مسئولیت ناقص، کاهش داد، ولی بعد از انقلاب اسلامی، قانون‌گذار نه در ماده ۲۷ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و نه در ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، کمترین توجهی به تفکیک مزبور قائل نشد و با بیان این که «جنون به هر درجه که باشد، رافع مسئولیت کیفری است»، در عمل از حالت‌های نزدیک به جنون غفلت کرد. با وجود این در پیش نویس جدید قانون مجازات اسلامی در ماده ۱-۱۴۲ و به‌ویژه ماده ۴-۱۴۲، اصطلاح «اختلال نسبی قوه تمیز یا اراده» در حین ارتکاب جرم را مورد شناسایی قرار داد که متأسفانه در اصلاح‌هایی که در مجلس شورای اسلامی صورت گرفت، این بخش از لایحه حذف شد.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هم در ماده ۱۴۹، قانون‌گذار بدون تعریف اختلال روانی و دست کم برشمردن نمونه‌های تمثیلی آن و نیز حالت‌های نزدیک به جنون، با این عبارت که «هر گاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب شده و دارای مسئولیت کیفری نخواهد بود»، تأثیر اختلال روانی را تنها هنگامی که به از بین رفتن «تام» اراده یا قوه تمیز منجر شود، به رسمیت شناخته است؛ حال آن که برای پذیرفتن مسئولیت نقصان یافته، قانون‌گذار باید تأثیر اختلال روانی را هم در از بین بردن نسبی قوه اراده و تمیز مورد اشاره قرار می‌داد.

همچنین ممکن است گفته شود اطلاق ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره امکان اعمال قاعده «درأ» درباره هریک از شرط‌های مسئولیت کیفری، زمانی که مرتکب، در لحظه ارتکاب جرم، به دلیل اختلال نسبی در قوه ادراک، فاقد اراده لازم برای تحقق مسئولیت کیفری بوده و از تحمل کامل نتایج رفتارش معذور است^۴ و یا ماده ۹۱ این قانون، آن جا که مرتکب قادر به درک ماهیت جرم

۴- هرچند در این صورت هم باز مشخص نیست چه مجازاتی در انتظار او است

انجام شده و یا حرمت آن نبوده و یا در رشد و کمال عقل او شبهه‌ای ایجاد شود، بر اساس سن، قائل به درجه بندی مجازات‌های اطفال و نوجوانان شده است، قرینه‌ای بر پذیرش نهاد مسئولیت نقصان یافته در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است.

اما پیدا است این ماده‌ها بدون توجه آگاهانه به تأثیر اختلال روانی بر مسئولیت کیفری و ایراد خدشه بر آن است؛ هرچند بعید نیست بتوانند به‌طور ضمنی راه استناد به بیماری‌های متنوع روانی و عصبی را که از قلمرو جنون بیرون می‌مانند، ولی تأثیر مستقیمی بر نیروی ادراک مرتکب می‌گذارند باز کنند. در نهایت، ممکن است بتوانیم میان این چند ماده یا ماده‌های دیگری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با برخی مؤلفه‌های تعریف مسئولیت نقصان یافته، شباهت‌هایی هرچند جزئی بیابیم، ولی هرگز نمی‌توانیم انطباق و همخوانی دقیق آن‌ها با فلسفه، مبناها و مؤلفه‌های مفهوم مسئولیت نقصان یافته، به‌منزله یک قاعده را نتیجه بگیریم.

در مجموع، نادیده گرفتن امکان اختلال نسبی در قوه اراده، شعور و آگاهی در حالی است که این انتظار از قانون‌گذار می‌رفت با استفاده از تجربه‌های سایر نظام‌های عدالت کیفری و با به کار بستن یافته‌ها و رهنمودهای علمی موجود در این زمینه، به حمایت کیفری مناسب از مرتکبینی بیردازد که نه‌مجنون به معنای خاص کلمه که دچار اختلال نسبی در قوه ادراک هستند.

۵- مسئولیت کیفری نقصان یافته در حقوق انگلستان

در نظام کامن‌لا زمانی که ثابت شود متهم به دلیل بیماری‌های روانی، دچار چنان نقصان و کاستی در عقل و منطق است که نمی‌تواند ماهیت و کیفیت عمل ارتكابی خود را تشخیص دهد، یا اگر به ماهیت عمل خود واقف باشد، نداند آن چه انجام می‌دهد، اشتباه است، می‌توان به دلیل جنون او را به‌طور کامل از مسئولیت کیفری مبرا دانست. در مقابل، برای این که مسئولیت نقصان یافته از سوی متهم در دادگاه پذیرفته شود، ضروری است متهم از چنان نابهنجاری در عملکرد روانی رنج ببرد که اعمال فیزیکی و موضوعات را به گونه‌ای متفاوت از یک انسان منطقی درک کند و توانایی اش برای اتخاذ یک تصمیم درست و منطقی، کاملاً تحت تأثیر وضعیتش قرار گیرد. بر همین اساس، در فرهنگ لغت آکسفورد در

تعریف مسئولیت نقصان یافته، آمده است «یک وضعیت ذهنی نامتعادل که موجب می شود شخص به دلیل ارتکاب قتل عمد، مسئولیت کمتری داشته باشد و مسئولیتش به قتل غیرعمد کاهش یابد» (Baker, 2000, 29).

بخش دوم قانون قتل انگلستان مصوب ۱۹۵۷ میلادی نیز مسئولیت نقصان یافته را چنین تعریف کرده است «مسئولیت نقصان یافته یک عذر ناقص صرفاً در قبال ارتکاب قتل عمد است که مسئولیت مرتکب را از قتل عمد به قتل غیرعمد کاهش می دهد. ویژگی معذورکننده متهم آن است که وی دچار آن چنان بی قاعدگی ذهنی است^۶ که به طور اساسی بر مسئولیت دماغی او به خاطر اعمالش آسیب می رساند» (Raffle, 2008, 139). بر اساس این تعریف در قانون انگلستان، نخستین شرط برای امکان استناد به دفاع مسئولیت نقصان یافته آن است که مرتکب به نوعی از نابهنجاری در عملکرد روانی دچار باشد.

لازم به ذکر است که وجود نابهنجاری در عملکرد روانی، باید توسط متهم ثابت شود. همچنین این نابهنجاری باید به دلیل رشد متوقف شده یا کند شده ذهنی یا هر عامل ذاتی دیگر و یا بر اثر بیماری‌ها یا آسیب دیدگی‌ها به وجود آمده باشد. این شرط در بیشتر موارد، به این نحو تفسیر می شود که نابهنجاری مورد نظر باید یک منشأ داخلی داشته باشد و عامل‌های بیرونی ایجادکننده نابهنجاری از قبیل الکل یا مواد مخدر نمی تواند به منزله یک عامل واجد شرایط برای ایجاد نابهنجاری در عملکرد روانی محسوب شود؛ مگر این که نابهنجاری به دلیل الکلیسم یا اعتیاد به مواد مخدر و یا آسیب دیدگی در اثر مصرف درازمدت مشروبات الکلی، باشد. هرچند ممکن است در کنار مستی، متهم از نابهنجاری در عملکرد روانی نیز رنج ببرد، در این صورت باید توجه داشت که مستی به منزله یک عامل مجزا محسوب نمی شود، بلکه توأمان باید در نظر گرفته شود (Crichton, 2010, 399).

بر اساس این تعریف و شرط‌های آن، آنچه برای تمیز میان حالت جنون و نابهنجاری در عملکرد روانی باید مدنظر قرار گیرد آن است که هرچند متهم در شرایط نابهنجاری مورد نیاز برای مسئولیت نقصان یافته تا حدی از کنترل بر افعال و رفتارش ناتوان می شود، ولی به حد جنون نمی رسد؛ درحالی که فرد مجنون از چنان نقصان و کاستی در عقل و منطق رنج می برد که ماهیت افعال و رفتار خود را درک نمی کند و حتی اگر قادر به درک آن باشد نمی داند آنچه انجام می دهد، نادرست است. به عبارت دیگر،

۶- اعم از این که این حالت ناشی از توقف یا کندی رشد عقلی یا هر علت درونی و یا ناشی از بیماری یا جراحت باشد

می‌توان گفت نابهنجاری که مسئولیت کامل فرد را به مسئولیت ناقص کاهش می‌دهد چیزی میان سلامتی کامل و جنون کامل است؛ بنابراین، در جنون، با اختلال تام اراده و در مسئولیت نقصان یافته، با اختلال نسبی در اراده متهم روبرو هستیم.

در مقام جمع بندی، می‌توان به‌طور خلاصه، مسئولیت نقصان یافته را چنین تعریف کرد: شکلی از نابهنجاری در عملکرد روانی که بر اثر رشد متوقف شده یا کند شده ذهنی یا به وسیله بیماری‌ها یا آسیب دیدگی‌ها، ایجاد شده باشد و به نحو قابل ملاحظه‌ای به مسئولیت ذهنی متهم آسیب رساند و به عبارت دیگر، مسئولیت ذهنی را کاهش داده و به تبع آن به نقصان مسئولیت کیفری منجر شود.

۶- مبانی مسئولیت کیفری نقصان یافته

در این بخش، مبانی مسئولیت نقصان یافته بر اساس تحلیل تأثیر نابهنجاری در عملکرد روانی^۷ در هریک از مبانی مسئولیت کیفری، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. «مبانی» جمع مبنا، مشتق شده از ریشه «بنا» و به معنای محل بنا، بنیاد، شالوده و اساس می‌باشد. کاربرد قرآنی این واژه نیز چندان با مفهوم اصطلاحی آن، بیگانه نیست و در قرآن کریم در معنایی چون پایه، پی‌نهاد، زیرساخت و... آمده است. وجود وظیفه در انجام یا خودداری از انجام یک رفتار به حکم قانون، آگاهی از وظیفه یاد شده و توانایی شخص در این ارتباط، عامل‌های منطقی و مؤثر بر تحقق مسئولیت کیفری تلقی می‌شوند (موسوی مجاب، ۱۳۸۸، ۱۶۱).

۶-۱- مبانی عرفی مسئولیت کیفری نقصان یافته

امروزه از منطبق عرفی، به‌عنوان مبانی منطقی مسئولیت کیفری می‌توان یاد کرد که خود ناظر بر آداب، رسوم، عرف و فرهنگ یک جامعه است که حکم می‌کند انسان کاری را انجام دهد یا ترک کند. منظور از منطبق منطقی معارفی است که موجب می‌شود انسان بین خوب، بد، زشت و زیبای عرفی تفاوت گذارد. لازم به ذکر است که منطبق عرفی، همیشه و در همه جوامع به یک صورت عمل نمی‌کند که این خود ناشی از تفاوت میان آداب، رسوم، فرهنگ، اخلاق، مذهب و عادت‌های گوناگون است (موسوی مجاب، ۱۳۸۸، ۱۶۱).

منطبق عرفی پیوسته بر ضرورت احراز حالت ارادی و رفتار مبتنی بر اراده آزاد تأکید می‌کند؛ زیرا روشن است که تحمیل مسئولیت کیفری تنها زمانی منطقی به نظر می‌رسد که در کنار قابلیت اسناد مادی

۷- مورد نیاز برای امکان استناد به دفاع مسئولیت نقصان یافته

عمل به مرتکب، بتوان از حیث معنوی هم رفتار یاد شده را مستند به او دانست. حال زمانی که مرتکب در لحظه وقوع رفتار مجرمانه، به دلیل ابتلا به شکلی از نابهنجاری در عملکرد روانی، از اختلال نسبی در قوه ادراک خود رنج برد، مسئول دانستن چنین شخصی، به دلیل احراز خدشه بر اراده اش، به هیچ روی با مبنای منطقی مسئولیت کیفری سازگار نیست.

۶-۲- مبنای اخلاقی مسئولیت کیفری نقصان یافته

اخلاق نیز به منزله یکی دیگر از پایه‌های تشکیل دهنده مسئولیت کیفری، ایجاب می‌کند که حقوق، ضمن تلاش در جهت حمایت از اصل‌های اخلاقی جامعه از طریق جرم انگاری رفتارهایی که مخالف اخلاق فردی و اجتماعی جامعه است، نقض کنندگان موازین اخلاقی جرم انگاری شده را مجازات کند (دلفانی، ۱۳۹۹، ۳۳). از این رو، مرتکبی که مبتلا به شکلی از نابهنجاری در عملکرد روانی است، در حقیقت از اختلال روانی رنج می‌برد و همین مسئله، تحمیل مسئولیت بر او را در مقابل آن چه انجام داده است، کاملاً ناعادلانه می‌نماید و کاهش مسئولیت کیفری او را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌داند؛ زیرا اراده‌ای که مخدوش است، هرگز مسئولیت مرتکب را به دنبال نخواهد داشت.

۶-۳- مبنای اجتماعی مسئولیت کیفری نقصان یافته

با پیدایش مکتب تحقیقی در قرن نوزدهم میلادی، اختیار و آزادی اراده و به تبع آن مسئولیت اخلاقی یکباره رنگ باخت و مبنای اجتماعی مسئولیت کیفری، جایگزین مبنای اخلاقی آن گشت. مکتب تحقیقی، رفتار انسان را ناشی از عوامل زیستی، روانی، اجتماعی و جبرهای درونی و بیرونی می‌دانست و بر همین اساس، مبنای مجازات را حالت خطرناک و ضداجتماعی مجرم اعلام کرد و به تبع آن دفاع اجتماعی در قبال چنین رفتارهایی را ضروری دانست (دلفانی، ۱۳۹۹، ۳۴). شاید مبنای اجتماعی، برخلاف دو مبنای پیش گفته، توجهی در جهت کاهش مسئولیت کیفری مرتکب ارائه ندهد، بلکه پیوسته بر حالت خطرناک او، لزوم تحقق دفاع اجتماعی و در نهایت اعمال پاره‌ای اقدامات تأمینی و تربیتی تأکید می‌کند.

۶-۴- مبنای روانی مسئولیت کیفری نقصان یافته

دیگر مبنای مسئولیت کیفری، مبنای روانی است. بر این پایه، زمانی می‌توان مرتکب را مسئول شناخت که عمل او از نظر روانی قابل سرزنش باشد. از نظر برخی حقوق‌دانان، معیار یاد شده با پاسخ به این پرسش که

یک انسان متعارف در شرایط، اوضاع و احوال متهم در زمان وقوع جرم چه می‌کرد؟ حاصل می‌شود. بر همین اساس، از منظر حقوق کیفری تلازم اهلیت و مجال کافی به منظور اقدام، برای تحقق مسئولیت کیفری ضروری است (موسوی مجاب، ۱۳۸۸، ۱۶۸).

شاید بتوان گفت مبنای روانی کاهش مسئولیت افراد مبتلا به نابهنجاری‌های ذهنی، بر اساس دفاع مسئولیت نقصان یافته، در مقایسه با سه مبنای پیش گفته، به مراتب از استحکام بیشتری برخوردار است؛ از این جهت که وقتی از نظر علم روانشناسی ثابت گردیده که مرتکب در لحظه وقوع جرم، مبتلا به نوعی نابهنجاری در عملکرد روانی است شرایط مزبور از نظر روانشناسی می‌تواند به این معنا باشد که فرد مبتلا به یک نابهنجاری، اعمال فیزیکی و مسائل را به گونه‌ای متفاوت از یک انسان عادی درک می‌کند^۸ یا این که این شرایط بر توانایی‌های فرد تأثیرگذار است، به گونه‌ای که نمی‌تواند راجع به درستی یا نادرستی آنچه در صدد انجام آن است، تصمیم درست و منطقی بگیرد.

نابهنجاری در عملکرد روانی گاه به گونه‌ای است که فعالیت‌های ذهنی و توانایی فرد را برای اعمال و به کار بستن قدرت اراده جهت کنترل فعالیت‌های فیزیکی اش همانند قوه تشخیص یک فرد منطقی، در تمام ابعاد تحت تأثیر قرار می‌دهد و به شکل‌گیری شرایط روحیه‌ای می‌انجامد که بسیار متفاوت از شرایط یک انسان معمولی است؛ بنابراین، زمانی که یک فرد بر اثر یافته‌های علم روانشناسی و روانپزشکی، بر پایه شرط‌هایی که ذکر شد، غیر مسئول شناخته شد، به تبع آن، از نظر کیفری نیز همانند یک فرد سالم، قابل مجازات نخواهد بود.

در مجموع، می‌توان گفت مبنای مسئولیت نقصان یافته بر همان مبانی کلی حقوق کیفری استوار است که بر اساس آن، مسئولیت مرتکب باید در پرتو هر گونه اختلال روانی و در مفهوم کلی تر، نابهنجاری در عملکرد روانی‌ای که فرد از آن رنج می‌برد، ارزیابی شود. از این رو، ارتکاب هر عمل مجرمانه از سوی مرتکبی که به دلیل ویژگی‌هایی از جمله به لحاظ ابتلا به نوعی نابهنجاری در عملکرد روانی، فاقد آگاهی و اراده است، تحقق مسئولیت کیفری را در فرض مسئولیت نقصان یافته، به‌طور نسبی، با مانع مواجه می‌سازد. در این بین، نقش اراده و هریک از مؤلفه‌های آن، در کنار آگاهی که در تعامل شدیدی با ادراک^۹ قرار دارد، چشمگیر می‌نماید.

۸- همان اختلال نسبی در قوه ادراک که خود موجب خلدشه بر اراده می‌شود

۹- اولین رکن اراده

نتیجه

پژوهش حاضر به تحلیل جایگاه مسئولیت نقصان یافته در نظام حقوق کیفری ایران و مقایسه آن با نظام حقوقی انگلستان پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که نظام عدالت کیفری ایران، به‌رغم پیشرفت‌های قابل توجه در حقوق تطبیقی و تجربیات سایر کشورها، همچنان در چهارچوب دوگانگی مسئولیت کامل و عدم مسئولیت باقی مانده است. عدم پذیرش صریح و قانونی مفهوم مسئولیت نقصان یافته در ایران، حکایت از فاصله معنادار این نظام حقوقی با ضرورت‌های علمی و عملی عدالت کیفری دارد. در مقابل، نظام حقوقی انگلستان با ارائه راهکارهای قانونی و شفاف، نه تنها توانسته است مفهوم مسئولیت نقصان یافته را به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای اعمال عدالت فردی معرفی کند، بلکه موفق شده است از این طریق، پاسخ‌های حقوقی متناسب‌تری به مواردی ارائه دهد که عوامل روان‌شناختی در کاهش مسئولیت مجرم نقش دارند.

بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که پذیرش مسئولیت نقصان یافته در نظام حقوقی ایران نه تنها می‌تواند شکاف میان نظریه و عمل را کاهش دهد، بلکه زمینه‌ساز تحقق عدالت دقیق‌تر و مؤثرتر در رسیدگی‌های کیفری خواهد بود. این مهم نیازمند بازنگری جدی در قوانین کیفری کشور و الگوبرداری از تجربیات موفق سایر نظام‌های حقوقی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- اوحدی، بهنام، ۱۳۸۴، **تمایلات و رفتارهای جنسی انسان**، چاپ اول، اصفهان، انتشارات صادق هدایت.
- پردل، ژان، ۱۴۰۲، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات سمت.

- دلفانی، علی اشرف، ۱۳۹۹، **مبانی مسئولیت کیفری در حقوق اسلام و فرانسه**، چاپ اول، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۴۰۱، **حقوق جزای عمومی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- عمید، حسن، ۱۳۷۵، **فرهنگ فارسی**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- محسنی، مرتضی، ۱۳۷۶، **مسئولیت کیفری دوره حقوق جزای عمومی**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- موسوی مجاب، سیددرید، ۱۳۸۸، **نقش اراده در مسئولیت کیفری با رویکردی به نظام حقوقی ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنامی.
- ولد، جرج؛ توماس، برنارد؛ جفری، استیسی، ۱۳۹۳، **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه علی شجاعی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
- ولیدی، محمد صالح، ۱۳۹۱، **حقوق کیفری اختصاصی**، چاپ دهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

لاتین

- Baker, C, MSW, MPH and Alfonso, 2000, Cessie, LCSW. Traumatic Stress Treatment Center, PTSD and Criminal Behavior.
- M. Raffle. S, 2008, Diminished-Capacity-Diminished-Responsibility.
- H. M Crichton. J, Daryee. Rajee, Cheswick. Dreck, 2010, Diminished Responsibility in Scotland: New Case the Journal of Forensic Psychiatry and Psychology, 3 (15).

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.24- Summer 2025

- Buyer-Seller Relationship in the Underlying Contract in a Letter of Credit with Emphasis on Iranian law
Homayoun Mafi, Reza Ehsani, Ahmadsreza Amiri Larjani
- A Comparative Study of Environmental Protection under International Human Rights Law and International Humanitarian Law
Sayyed Fazlollah Mousavi, Amir Hossein Asgari
- Child-centered Justice and Government: Responsibility Prevention, Correction and Rehabilitation of Children Violate Criminal Laws
Mohammad Roshan, Somayeh Ranginkaman, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- Legal Challenges and Requirements of Artificial Intelligence in Workplaces: Examining Impacts and Reform Solutions
Maryam Boroomand Bazkiagourabi, Amirreza Mahmoudi
- Algorithmic Society and Legal Adaptation: Rethinking Rights, Governance and Social Justice
Khadije Karimi Sfahani, Mojahed Amiri
- Issuing Identity Documents for Children Born from Illegitimate Relationships and its Effects on Iranian Law
Marzieh Kazemi, Mostafa Kafi
- Diminished Liability in the Criminal Systems of Iran and England
Iraj Morvati, Nafiseh Araghi, Mandana Janghali
- Monitoring the Media with a Jurisprudential and Legal Approach
Narges Abolmasoomi
- Cryptocurrency-Related Crimes; from Facilitating the Commission of Crimes to Prevention
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Importance of Contract Interpretation in Iranian Civil Law
Nazanin Bahrami, Mahnaz Sajjadian, Hamid Reza Konari Zhadeh
- Investigating the Effect of Security and Populist Oriented Criminal Policy Intervention on the Formation of Modern New Classical Criminological Dialog
Masoud Akbari
- A Comparative Study of Commercial Property in Iranian and French Law
Saeed Johar
- Deterrence of Exile and Banishment in the Period of Communication
Mahsa Mahmoudi
- Manifestations of the Moral Rights of Prisoners in Domestic and International Documents
Amin Reza Bahar Falamarzi
- Convergent Application of Civil Procedure Principles in Criminal Proceedings Using with Referral Mechanism
Ali Asghar Asgari
- A Review of Crimes Against Government Lands (Case Study)
Vahid Kioumars
- Space Debris in International Law: Regulatory Challenges and Legal Solutions
Mahdi Gharedaqi
- Insult to Sacred Places in Iranian Criminal Law, Imamiyya Jurisprudence and Sunni Jurisprudence
Davoud Salmanpour, Yaghoub Taheri, Hosein Zarei
- International Responsibility of States in Combating Doping: Legal Analysis and Implementation Challenges
Sepideh Ahmadian Fard
- Criminal Policy Against Military Crimes in the Criminal Law of Iran and the United States
Amirhasan Abolhasani, Hamed Zarinjuy Alvar, Mohammadali Jahani
- Rules Governing the Unorganized Monetary Financial Market in the Iranian Legal System
Ayoub Rahimi
- Maintaining Social Capital in the Process of Combating Smuggling (Delaware Port Case Study)
Hossein Akbarpa
- Conditions for the Exclusion of Personal Criminal Liability Based on the Statute of the International Criminal Court
Mohammadreza Afrasiabi
- The Impact of Domestic Laws and Commitment to International Treaties in Combating Banking Corruption
Sayyed Bahman Akbari
- Various Means of Enforcement in International Law
Mahdi Rezaei Asrami
- Green Victimology and Non-Human Victims
Amin Hajivand, Amirhossein Khorashadi Zadeh, Mohammad Javad Mirzayi